

## تحلیل فلسفه مجازات در اسلام<sup>۱</sup>

رحیم نوبهار

پژوهشگر حوزوی و عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

به دلیل دوری فقه رایج از رویکرد فقه مقاصدی، در باره فلسفه مجازات در اسلام بحث‌های اندکی صورت گرفته است. روشن نیست که آیا مقررات جزایی اسلام اولاً: دارای هدف یا هدف‌هایی دنیوی است که به طور نظام‌مند از طریق احکام جزائی برای دستیابی بدان‌ها تلاش می‌شود؛ یا این که آن‌ها به دلیل رازمند بودن یا هر دلیل دیگری، فاقد اهدافی عقلایی و دنیوی‌اند و بیشتر به اهداف مرتبط با امور اخروی مانند تطهیر بزهکاران از آلودگی گناه و رهایی از عذاب اخروی نظر دارند. ثانیاً: اگر کیفر از نظرگاه اسلامی دارای اهدافی دنیوی و ناظر به اداره جرم و بزه‌کاری است، آیا این اهداف، با محاسبات عقلانی قابل فهم و ادراک است؟ ثالثاً: اگر این کیفرها دارای اهدافی است، آیا این اهداف صرفاً از طریق همان روش‌هایی که در متون دینی تعیین شده، دست یافتنی‌اند؛ یا آن که آن اهداف را با شیوه‌های دیگر هم می‌توان پیگیری نمود. بویژه آن گاه که روشن باشد آن اهداف با ابزارهای رایج دست نیافتنی است.

پاسخ به پرسش‌هایی از این دست را باید در کنار شماری دیگر از پرسش‌ها و مباحث به طور همزمان پی گرفت:

**نخست:** باید برای مکان‌یابی مقررات جزایی اسلام در مجموعه فقه اسلامی تلاش نمود. در این مطالعه باید بررسی نمود که آیا احکام باب حدود، تعزیرات، قصاص و دیات در قلمرو احکام عبادی محض‌اند؛ یا به معاملات به معنای اعم نزدیک می‌شوند؛ یا آن گونه که برخی فقیهان گفته‌اند در حوزه احکام و سیاست قرار می‌گیرند. این مطالعه از آن روی ضروری است که فهم درست جایگاه این ابواب فقهی به کاربست درست روش اجتهاد در آن‌ها کمک می‌کند؛ با توجه به این واقعیت که شیوه استنباط احکام و نحوه برداشت از نص، موضوع‌شناسی و دخالت عرف و داوری‌های عقلایی در ابواب عبادی و ابواب معاملی یکسان نیستند.

**دوم:** این که نظام افتراقی و دوگانه حد-تعزیر بر چه بنیاد بنیادهایی استوار است؟ آیا این تقسیم‌بندی بر بنیادهایی عقلانی و قابل فهم استوار است؛ یا آن که تقسیم‌بندی و فرق‌های فراوان میان حد و تعزیر از نوع احکام عبادی، توفیقی و سر به مهر است که عقل به فهم آن راه ندارد و بنابر این جست و جو از فلسفه و اهداف، دست کم در قلمرو حدود، آن گونه که در نظام‌های عرفی رایج است به نتایج روشنی نمی‌انجامد.

<sup>۱</sup>. چکیده سخنرانی در مؤسسه پژوهشی-فرهنگی فهیم، قم، شنبه پانزدهم بهمن ۱۳۹۲.

**سوم:** از چشم‌انداز مطالعات تاریخی آنچه اکنون به عنوان مجازات‌های اسلامی شناخته می‌شود، به لحاظ نوع و ماهیت نه تنها در بسیاری از جوامع باستان که در محیط شبه جزیره عربستان پیش از اسلام هم رایج بوده‌اند. این واقعیت، این مجازات‌ها را به لحاظ نوع، به احکام امضایی نزدیک می‌سازد و به نوبه خود این پرسش را برمی‌انگیزد که رواج و شیوع عقلایی این کیفرها در زمان تصویب آن‌ها توسط شارع مقدس اسلام چه دخالتی در تأیید آن‌ها داشته است؟ آیا رواج و شیوع عقلایی حیث تقیید است یا حیث تعلیل؟ آیا رویگردانی عقلا از این روش‌ها تأثیری در امضای حکم شرع دارد یا نه؟ به همین ترتیب آیا شارع مقدس اسلام با تأیید این کیفرها آن اهداف عقلایی را هم که در ورای آن همچون ارتکازات عرفی بوده است، تأیید کرده است؟ اگر چنین است هرگاه عقلا خود در راستای پیگیری همان اهداف تأیید شده توسط شارع مقدس، شیوه‌های نوینی برگزینند، موضع شریعت در برابر این تغییر تلقی عقلایی چیست؟ آیا تقدم با روش است یا ارتکاز عقلایی تأیید شده؟

**چهارم:** با آن که برخی جرایم و مجازات‌ها در قرآن کریم ذکر شده است، برابر شواهد و دلایل انکارناپذیر، سنت در شکل‌گیری نظام جرایم و مجازات‌های موجود در فقه اسلامی نقش پررنگی ایفا کرده است. شاید همین امر در این که شماری از فقیهان از دیرباز مباحث فقه جزائی را زیر عنوان احکام و سیاسات طبقه‌بندی نموده‌اند، بی‌تأثیر نبوده است. این امر، ضرورت مطالعه چنین احکام تشریح شده توسط سنت را ضروری می‌سازد. این که کدام یک از احکام از نوع احکام ابدی و تغییرنابردار شریعت است، و کدام یک از احکام حکومتی و مدیریتی و برای اداره جرم و انحراف در جامعه بوده در نتیجه تغییربردار است، به فهم فلسفه کیفر از دیدگاه اسلامی بسی کمک می‌رساند.

تحلیل مباحث محورهای پیش‌گفته به طور تحلیلی و ترکیبی، به اغلب احتمال ما را به سوی فهمی از فلسفه کیفر در اسلام و چنان نظامی از جرایم و مجازات‌ها رهنمون می‌شود که بیشتر هدف‌گرا، پویا، محتوانگر و سازوار است؛ تا ابزارگرا، ایستا، شکل‌گرا و دوگانه.